

## سیره‌ی پیامبر ﷺ در ارتباط با مساجد

حسین علی عربی سرخه‌ای\*

### چکیده:

با عنایت به این که مساجد در اثر عوامل متعددی در عصر کنونی بسیاری از کارکردهای خویش را از دست داده و مورد غفلت واقع شده‌اند، جا دارد که با بررسی سیره‌ی پیامبر اکرم ﷺ در ارتباط با مساجد، نقش و جایگاه این مهم‌ترین مرکز فرهنگی و تربیتی اسلام مورد بازخوانی قرار گیرد تا بتوانیم با رفع موانع و چالش‌ها، مساجد را به جایگاه واقعی آن‌ها برسانیم. در این نوشتار سعی شده است تا به نمونه‌هایی از کارکردهای مختلف مسجد در صدر اسلام اشاره شود.

**کلیدواژه‌ها:** سیره‌ی پیامبر ﷺ، مساجد.

مسجد مهم‌ترین نهاد فرهنگی در اسلام است که به صورت مستقیم و چهره به چهره احکام، دستورات و هنجارها و ارزش‌های دینی را از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌کند. متأسفانه در عصر کنونی مسجد بسیاری از کارکردهای خویش را از دست داده و صرفاً به محلی برای عبادت تبدیل شده است، اما در زمان رسول الله ﷺ دارای کارکردهای عبادی، آموزشی، سیاسی، نظامی، اقتصادی و ... بوده و از همین رو حضرت امام خمینی رحمته الله علیه تأکید می‌فرمودند: «سعی کنید که مساجد ما به حال مساجد صدر اسلام برگردد».<sup>۷۹</sup>

در این نوشتار سعی کرده‌ایم که به نمونه‌هایی از «سیره‌ی پیامبر ﷺ در ارتباط با مساجد» اشاره داشته باشیم و برای هر عنوان بحث فقط به یک نمونه‌ی تاریخی اکتفا کرده‌ایم و روشن است که بحث و بررسی جامع و گسترده نیازمند مجال و امکانات گسترده‌تری است. امید آن که با رفع موانعی که مساجد در عصر حاضر با آن روبه‌رو هستند، بار دیگر به جایگاه واقعی خویش در جامعه‌ی اسلامی دست یابند.

#### ۱. بررسی معنای لغوی و اصطلاحی مسجد

در بررسی لغوی واژه‌ی مسجد در کتاب‌های لغت، نظرهای نزدیک و مشابهی دیده می‌شود. ابن‌منظور در لسان‌العرب درباره‌ی مسجد می‌نویسد:

مسجِد و مسجد، جایی است که در آن سجده می‌کنند و مفرد مساجد است.<sup>۸۰</sup>

زجاج می‌نویسد:

هر جایگاهی که در آن عبادت کنند، مسجد است. همان‌طور که پیامبر اعظم ﷺ فرمودند: «جُعِلَتْ لِي الْأَرْضُ مَسْجِدًا وَ طَهْرًا؛ زمین برای من محل سجده و طاهر کننده قرار داده شده است».

در تاج العروس، ذیل کلمه‌ی مسجد که از ریشه‌ی «سجد، سجوداً» است، چنین آمده است:

مسجد به کسر جیم، هر جایگاهی است که در آن سجده کنند.<sup>۸۱</sup>

بطرس بستانی در محیط المحيط می‌نویسد:

سَجَدَ. يَسْجُدُ، سَجُودًا؛ خَضَعَ وَ انْحَنَى؛ سجده به معنای خم کردن پشت، همراه با پایین آوردن سر است و شرعاً به گذاشتن پیشانی و بینی بر زمین و غیر آن گفته می‌شود و مسجد جایی است که در آن سجده کنند و هر جایگاهی که در آن عبادت مسلمانان انجام گیرد، مسجد است.<sup>۸۲</sup>

راغب اصفهانی در المفردات فی غریب القرآن، ذیل ماده‌ی «سجد» به تفصیل در این باره سخن می‌گوید و

می‌نویسد:

اصل سجود به معنای تطامن و تذلل است که برای تذلل در مقابل خدا و عبادت او

قرار داده شده که بر دو نوع اختیاری و تسخیری است و سجود در شرع برای رکن مخصوص نماز و شبیه آن از قبیل سجده‌ی شکر و سجده‌ی آیات واجب السجده قرار داده شده است و گاهی به نماز، سجده می‌گویند، چنان که خدای متعال می‌فرماید: ﴿وَ أَدْبَارَ السُّجُودِ﴾<sup>۸۳</sup>، یعنی در پشت سر نمازها.<sup>۸۴</sup>

با توجه به ورود این واژه به زبان فارسی و استعمال کامل آن در این زبان، در مراجعه به لغت‌نامه‌های فارسی، معانی ذیل برای مسجد به دست آمده است:

سر بر زمین نهادن، محل و موضعی که در آن سجده کنند و هر محلی که در آن عبادت کنند و از آن جمله است اطلاق مسجد بر جامع؛ و گویند مسجد با کسر جیم، اسم محل عبادت است، خواه در آن جا سجود کنند یا نکنند. مسجد به خانه‌ی خدا، محل سجود، جای نماز خواندن، خانه‌ای که برای گزاردن نماز ساکنان محله یا شهری می‌سازند، گویند.<sup>۸۵</sup>

درباره‌ی علت نام‌گذاری محل عبادت به مسجد باید گفت، بزرگ‌ترین عبادتی که مسلمانان انجام می‌دهند، نماز است و این عبادت، عظیم‌ترین و اولین فرع از فروع دین اسلام است و سجده در هر رکعت دو بار تکرار می‌شود و یکی از مهم‌ترین و زیباترین ارکان نماز است که نماد اوج بندگی است. بدین ترتیب، عبادتگاهی که مسلمانان در هر شبانه‌روز پنج مرتبه به صورت دسته جمعی در آن به سجده می‌افتند، مسجد، یعنی محل سجود نامیده شده است و هنگامی که کلمه‌ی مسجد استعمال می‌شد، ذهن به ساختمانی منحرف می‌شد که مسلمانان در آن نماز می‌گزارند.

بعضی از مورخان گفته‌اند که علت نام‌گذاری این مکان‌های مقدس به مسجد این است که سجده، بهترین حالت نمازگزار در مقابل خداوند است و پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در روایت شریفه‌ای فرمودند:

أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى وَ هُوَ سَاجِدٌ؛<sup>۸۶</sup> نزدیک‌ترین حالت بنده به خدای متعال آن هنگامی است که در مقابل او سجده کرده است.

واژه‌ی مسجد ۲۸ بار در قرآن کریم به کار رفته است و در روایت‌های شریف نبوی، این واژه و هم‌خانواده‌های آن فراوان استعمال شده‌اند.<sup>۸۷</sup>

در جواهرالکلام در مورد مصطلح شرعی مسجد آمده است:

از لحاظ شرعی، مسجد به مکانی اطلاق می‌شود که برای تمام مسلمین جهت اقامه‌ی نماز وقف شده است.<sup>۸۸</sup>

## ۲. معنای لغوی و اصطلاحی سیره

آنچه از بررسی و تحقیق در منابع ادبی و لغت‌نامه‌ها به دست می‌آید این است که معنای سیره، منطبق با

ریشه‌ی لغوی آن، یعنی سبک و روش رفتن است و در فارسی آن را به معنای روش، طریقه، خو، عادت و خُلُق معنا کرده‌اند.

سیره در اصطلاح مورخان صدر اسلام به معنای شرح احوال و رفتار و زندگی پیامبر ﷺ بوده و بعدها به سبک و روش زندگی پیامبر ﷺ اطلاق شده است.  
شهید مطهری می‌نویسد:

سیره‌ی پیغمبر، یعنی سبک پیغمبر؛ متدی که پیغمبر در عمل و در روش برای مقاصد خودش به کار می‌برد.<sup>۸۹</sup>

اکنون پس از تعریف اجمالی سیره بحث را در اهمیت نهاد مسجد در سیره‌ی نبی اکرم ﷺ و کارکردهای مسجد در سیره‌ی آن حضرت پی می‌گیریم.

### ۳. اهمیت مسجد در سیره‌ی پیامبر اعظم ﷺ

#### ۱-۳. پایه‌گذاری مسجد، اولین اقدام پیامبر ﷺ در جامعه‌سازی

اختلافی در اخبار سیره‌ی نبوی نیست که اولین اقدام رسول اکرم ﷺ در اقامت سه‌روزه‌اش در منطقه‌ی قباء، ساختن مسجد قباء بوده است. دیار بکری و سمهودی نقل کرده‌اند که آن حضرت ﷺ به علی رضی الله عنه دستور داد که محدوده‌ی مسجد قباء را مشخص کند.

گفته‌اند که زمین مسجد قباء، ملک زنی به نام لَیْه بود که چارپایان را در آن می‌بستند و برای همین منافقان نماز خواندن در آن جا را مسخره می‌کردند.<sup>۹۰</sup>

#### ۲-۳. ساختن مسجد النبی در اولین روزهای هجرت به مدینه

از علی بن ابراهیم قمی نقل شده است:

آن حضرت ﷺ همراه اصحابش در مکان وسیعی که محل خشک کردن خرما بود، نماز می‌خواندند. آن‌گاه رسول الله ﷺ به اسعد بن زراره فرمود: «این مکان را از صاحبانش خریداری کن.» او آن را به ده دینار خرید. در این زمین مردابی وجود داشت که رسول الله ﷺ دستور داد آب آن را به جای دیگری روانه کنند و هم‌چنین از آنها خواست که خشت بزنند. آن‌گاه جای پایه‌های دیوار را کردند. سپس دستور داد که سنگ بیاورند. آنان از سنگ‌لاخ سیاهی که در خارج مدینه قرار داشت، سنگ‌هایی را برای پایه‌چینی به آن‌جا حمل کردند و خود رسول الله ﷺ در این کار شرکت کرد و سنگی را در بغل گرفته و حمل می‌کرد که اسید بن حضیر پیش آمد و عرض کرد: اجازه دهید که من آن را حمل کنم. رسول الله ﷺ فرمود: «نه، برو سنگ دیگری را بیاور.»<sup>۹۱</sup>

به این ترتیب سنگ‌ها را حمل کردند تا پایه‌ی دیوار را با آن پر کردند و پایه‌چینی را به اتمام رساندند. آن‌گاه پایین دیوار را دو خشتی و میانه‌ی آن را یک خشت و نیمه و بالای آن را یک خشتی و به صورت نر و ماده بنا کردند تا دیوار به اندازه‌ی یک قامت در صد ذراع به اتمام رسید.

هم‌چنین کلینی در فروع کافی با سندی از عبدالاعلی موسی آل سام نقل کرده است که گفت:  
به امام صادق علیه السلام عرض کردم: طول مسجدالنبی صلی الله علیه و آله چقدر بود؟ فرمود: سه هزار و ششصد ذراع شکسته بود.<sup>۹۲</sup>

در ادامه‌ی خبر آمده است:

سپس گرمای شدید مسلمانان را اذیت می‌کرد، برای همین به آن حضرت عرض کردند: یا رسول الله صلی الله علیه و آله، اگر اجازه بدهید، برای مسجد سایه‌بانی درست کنیم و آن حضرت صلی الله علیه و آله اجازه دادند و آن‌گاه با تنه‌ی درختان نخل پایه‌ها را آماده کردند و برگ و لیف‌های نخل و گیاه خوشبوی *إذخر* را بر روی آن ریختند.

و به همین صورت در آن نماز می‌خواندند تا باران بارید و زمین آن گلی شد. به رسول الله صلی الله علیه و آله گفتند: «اگر اجازه دهید، مسجد را مسقف کنیم». آن حضرت صلی الله علیه و آله فرمودند: «نه، سقفی باشد همانند سقف موسی علیه السلام» و سقف مسجد به صورت سایه‌بان باقی بود تا آن حضرت صلی الله علیه و آله رحلت فرمودند.<sup>۹۳</sup>

در مورد چگونگی انتخاب زمین مسجدالنبی در سیره‌ی ابن‌مشام آمده است:

وقتی رسول الله صلی الله علیه و آله پس از اقامه‌ی نماز جمعه از قباء به سوی مدینه حرکت کرد، هر یک از قبایل از آن حضرت صلی الله علیه و آله تقاضا می‌کردند که در منطقه‌ی ایشان ساکن شود، اما آن حضرت صلی الله علیه و آله فرمودند: راه ناقه‌ام را باز بگذارید؛ زیرا که مأمور است.

ناقه همین‌طور پیش رفت تا به منزل‌های بنی‌النجار رسید و جلوی قطعه زمینی که مربوط به دو کودک یتیم بود، توقف کرد و زانو بر زمین زد. اما نبی اکرم صلی الله علیه و آله مکث کرد و پیاده نشد! شتر برخاست و مسافت کمی را طی کرد، آن‌گاه نگاهی به پشت خود کرد و سپس برگشت و در همان جای اول زانو بر زمین زد و سپس زانو را بر زمین زد و گردنش را خوابانید. پس از این حالت، رسول الله صلی الله علیه و آله از آن پیاده شد و ابوایسوب اثاثیه‌ی آن حضرت صلی الله علیه و آله را به منزل خود برد و نبی اکرم صلی الله علیه و آله در خانه‌ی ابویوب اقامت کرد.

رسول الله صلی الله علیه و آله درباره‌ی آن قطعه زمین سؤال کرد. به وی اطلاع دادند این قطعه زمین

مربوط به دو کودک یتیم به نام‌های سهل و شهیل است که تحت سرپرستی معاذ بن عفرأ هستند. معاذ آنها را راضی کرد و زمین را فروخت و رسول الله ﷺ دستور دادند که در آن جا مسجدی را بنا کنند و خود رسول الله ﷺ نیز در ساختن مسجد همکاری می‌کردند و مهاجران و انصار در کنار هم کار می‌کردند.

بعد از آن رسول الله ﷺ حجره‌هایش را ساخت<sup>۹۴</sup> و از منزل ابویوب بدان‌جا منتقل گردید. اقامت آن حضرت نزد ابویوب از ماه ربیع الاول تا ماه صفر سال بعد طول کشید.<sup>۹۵</sup>

### ۳-۳. فضیلت ساختن مسجد در سیره‌ی نبوی

یکی از افتخارات حضرت ابراهیم علیه السلام این بود که مأمور به تعمیر و تطهیر بیت‌الله الحرام شده بود تا طواف‌کنندگان و معتکفان و نمازگزاران در آن مکان مقدس به عبادت بپردازند و از افتخارات حضرت زکریا علیه السلام این بود که خادم مسجد الاقصی بود.

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله نیز مفتخر به این بودند که قبل از بعثت به هنگام تعمیر بنای کعبه، با دست مبارک خویش حجرالاسود را در جایگاهش قرار دادند و پس از هجرت به مدینه در ساختن مسجد، دوشادوش اصحاب خود کار می‌کردند. آن حضرت در بیان فضیلت ساختن مسجد فرمودند:

«مَنْ بَنَى مَسْجِدًا وَ لَوْ كَفْخَصِ قِطَاةٍ بَنَى اللَّهُ لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ»<sup>۹۶</sup>؛ هر کس مسجدی را ولو به اندازه‌ی آشیانه‌ی مرغ بسیار کوچک قِطَاة بنا نهد، خداوند برای او خانه‌ای در بهشت بنا می‌کند.

و در روایت دیگری فرمودند:

«مَنْ بَنَى مَسْجِدًا فِي الدُّنْيَا اعطاه اللَّهُ بِكُلِّ شِبْرٍ مِنْهُ أَوْ قَالَ بِكُلِّ ذِرَاعٍ مِنْهُ، مَسِيرَةَ أَرْبَعِينَ أَلْفَ عَامٍ، مَدِينَةً مِنْ ذَهَبٍ وَ قِضَّةً وَ دَرَّ وَ يَاقُوتٍ وَ زَمْرَدٍ وَ زَبْرَجْدٍ وَ لَوْلُو»<sup>۹۷</sup>؛ هر کس در دنیا مسجدی بنا کند، خداوند در برابر هر وجب یا هر ذراع از آن، مسیر چهل هزار سال، شهری از طلا، نقره، در، یاقوت، زمرد، زبرجد و مروارید به او عطا فرماید.

### ۳-۴. رابطه‌ی آباد داشتن مساجد با ایمان مؤمنان

خدای متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

«إِنَّمَا يُعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَ لَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ»<sup>۹۸</sup>؛ تنها کسی که ایمان به خدا و روز قیامت داشته باشد و نماز به پای دارد و زکات بدهد و جز از خدا از احدی ترسد، مسجدهای

خدا را آباد می‌کند. امید است که این گروه از جمله‌ی هدایت یافتگان باشند».

پیامبر اعظم ﷺ در یکی از سفارش‌های خود به ابوذر فرمودند:

یا آبادر، مَنْ أَجَابَ دَاعِيَ اللَّهِ وَ أَحْسَنَ عِمَارَةَ مَسَاجِدِ اللَّهِ كَانَ ثَوَابُهُ مِنَ اللَّهِ الْجَنَّةَ؛<sup>۹۹</sup> ای ابوذر! آن کس که دعوت به سوی خدا را پذیرفت و مساجد را به بهترین وجه آباد کرد، بهشت از جانب خداوند پاداش اوست.

و وقتی که ابوذر از پیامبر اعظم ﷺ پرسید: مسجدهای خدا چگونه آباد می‌شوند؟ آن حضرت ﷺ در جواب فرمودند:

لَا تَرْفَعْ فِيهَا الْأَصْوَاتَ وَ لَا يَخَاضُ فِيهَا بِالْبَاطِلِ وَ لَا يُشْتَرَى فِيهَا وَ لَا يَبَاعُ وَ اتْرِكِ اللَّغْوَ مَا دَمَتْ فِيهَا، فَان لَمْ تَفْعَلْ فَلَا تَلُومَنَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا نَفْسَكَ؛<sup>۱۰۰</sup> صداها در آن بلند نگردد و به سخنان بیهوده در آن پرداخته نشود و خرید و فروش در آن انجام نگیرد. ای ابوذر! تا هنگامی که در مسجد هستی از سخنان لغو و بیهوده پرهیز کن که اگر چنین نکردی در روز قیامت جز خودت را ملامت نکن.

آن حضرت ﷺ درباره‌ی پاکیزه نگاه داشتن مسجد فرمودند:

مَنْ قَمَّ مَسْجِدًا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ عِتْقَ رَقَبَةٍ وَ مَنْ أَخْرَجَ مِنْهُ مَا يَقْدِرُ عَلَيْهِ عَيْنًا كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ؛<sup>۱۰۱</sup> هر کس مسجدی را جارو کند، خداوند برای او پاداش آزاد کردن یک بنده را می‌نویسد و کسی که خاشاکی را که به چشم می‌پرد، از مسجد خارج کند، خداوند از رحمت خود، برای او بهره و نصیبی دو برابر قرار می‌دهد.

پیامبر اعظم ﷺ اهمیت بسیاری به رونق و آباد بودن مسجد می‌دادند؛ از این رو فرمودند:

مَنْ أَسْرَجَ فِي مَسْجِدٍ مِنْ مَسَاجِدِ اللَّهِ سَرَّاجًا لَمْ تَزَلِ الْمَلَائِكَةُ وَ حَمَلَةُ الْعَرْشِ يَسْتَفْغِرُونَ لَهُ مَا دَامَ فِي ذَلِكَ الْمَسْجِدِ ضَوْءٌ مِنْ ذَلِكَ السَّرَّاجِ؛<sup>۱۰۲</sup> هر کس در مسجدی از مساجد خدا چراغی بی‌فروزد، پیوسته فرشتگان الهی و حاملان عرش تا هنگامی که آن چراغ روشنایی دارد، برای او طلب آمرزش می‌کنند.

و فرمودند:

مَنْ أَحَبَّ أَنْ لَا يُنْظَمَ لِحَدِّهِ فَلْيُنْزِرِ الْمَسَاجِدَ؛<sup>۱۰۳</sup> هر کس دوست دارد که قبرش تاریک نباشد، مساجد را نورانی سازد.

۳-۵. مساجد، محبوب‌ترین جایگاه انبیا و پرهیزگاران

پیامبر اعظم ﷺ فرمودند:

أَلْمَسَاجِدُ مَجَالِسُ الْأَنْبِيَاءِ؛<sup>۱۰۴</sup> مساجد، محل نشستن و جلسه‌ی انبیاست.

در خبر دیگری می‌فرمایند:

المساجدُ بيوتُ المتقين و من كانت المساجدُ بيتهُ صَمِنَ اللهُ لَهُ بِالرَّوْحِ وَالرَّاحَةِ وَالْجَوَازِ عَلَى الصَّرَاطِ؛<sup>۱۰۵</sup> مساجد، خانه‌های پرهیزگاران است و هر کسی که مساجد، خانه‌اش (محل رفت و آمدش) باشد، خداوند آسایش، آرامش و جواز عبور از صراط را برای او تضمین کرده است.

همچنین فرمود:

خيرُ البقاع المساجدُ؛<sup>۱۰۶</sup> بهترین بقعه‌ها، مساجد هستند.

#### ۴. کارکردهای مسجد در سیره‌ی رسول اعظم ﷺ

##### ۱-۴ تشویق به برگزاری جلسات علمی در مسجد

اسلام، دین علم و معرفت است و مردم را به فراگیری دانش تشویق و ترغیب نموده و برای پی‌ریزی فرهنگ و تمدن اسلامی، تحصیل علم را بر هر مرد و زنی واجب کرده است. پیامبر اعظم ﷺ در روایتی فرمودند:

طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ أَلَا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ بَقَاءَ الْعِلْمِ؛<sup>۱۰۷</sup> تحصیل علم بر هر مسلمانی واجب است. آگاه باشید که خداوند جویندگان علم را دوست می‌دارد.

و در روایت دیگر فرمودند:

أَطْلِبُوا الْعِلْمَ مِنَ اللَّحْدِ إِلَى اللَّحْدِ؛<sup>۱۰۸</sup> از گهواره تا گور دانش بجویید.

و در روایتی دیگر فرمودند:

أَطْلِبُوا الْعِلْمَ وَتَوَّ بِالضَّمِينِ؛<sup>۱۰۹</sup> دانش را طلب کنید، اگر چه در چین باشد.

آن حضرت تنها به این سفارش‌ها اکتفا نکرده و در عمل مردم را به کسب دانش تشویق می‌نمودند. شهید ثانی در کتاب منیة المرید نقل کرده است:

خرج رسولُ اللهِ ﷺ فإذا في المسجد مجلسان، مجلس يتفقهن و مجلس يدعون الله تعالى و يسألونه. فقال: كلا المجلسين إلى الخَيْرِ؛ أما هؤلاء فيدعون الله و أما هؤلاء فيتعلمون و يفقهون الجاهل، هؤلاء أفضل، بالتعليم أُرْسِلْتُ. ثُمَّ قَعَدَ مَعَهُمْ؛<sup>۱۱۰</sup> روزی رسول خدا ﷺ به مسجد وارد شدند. در مسجد، دو مجلس جداگانه بر پا بود. گروهی به فراگرفتن دانش و جمعی نیز به دعا و راز و نیاز با خداوند مشغول بودند. پیامبر ﷺ فرمودند: هر دو گروه به سوی نیکی گام برمی‌دارند. دسته‌ای خدا را می‌خوانند و گروهی نیز آموزش می‌بینند و جاهلان را تعلیم می‌دهند؛ ولی این گروه، کار برتری را انجام می‌دهند. من نیز به منظور

بخشنامه‌ی تقدیر و تشویق  
شماره ۱۲۲  
پاییز و زمستان ۱۳۸۵



آموزش دادن مردم مبعوث شده‌ام. آن‌گاه پیامبر ﷺ در میان گروهی که سرگرم درس و بحث بودند، نشستند.

## ۲-۴. نهی از طرح مباحث بی فایده در مسجد

پیامبر اعظم ﷺ دائماً مسلمانان را به حفظ و قرائت قرآن و فراگیری علم و دانش تشویق می‌کردند؛ چنان که در سفارش‌های خود به ابوذر می‌فرمایند:

یا أباذر، کُلَّ جُلُوسٍ فِي الْمَسْجِدِ لَعْنُو إِلَّا ثَلَاثَةً: قِرَاءَةُ مِصَلٍّ أَوْ ذَاكِرُ اللَّهِ تَعَالَى أَوْ مَسَائِلُ مِنْ عِلْمٍ؛<sup>۱۱۱</sup> ای ابوذر، هر مجلسی در مسجد لعن و بیهوده است، مگر برای سه دسته: کسی که پس از نماز به قرائت قرآن بپردازد، کسی که سرگرم ذکر و یاد خدا باشد یا کسی که به مباحث علمی اشتغال داشته باشد.

از این رو آن حضرت ﷺ مردم را از طرح مباحث غیر لازم در مسجد منع می‌کردند؛ چنان که امام موسی کاظم ﷺ می‌فرمایند:

دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الْمَسْجِدَ، فَإِذَا جَمَاعَةٌ قَدْ أَطَافُوا بِرَجُلٍ، فَقَالَ: مَا هَذَا؟ فَقِيلَ: عَلَمَةٌ! فَقَالَ: وَمَا الْعَلَمَةُ؟ فَقَالُوا: أَعَلِمَ النَّاسَ بِأَنْسَابِ الْقَرَبِ وَوَقَائِعِهَا وَآيَامِ الْجَاهِلِيَّةِ وَالْأَشْعَارِ الْعَرَبِيَّةِ. فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ: ذَلِكَ عِلْمٌ لَا يَنْضُرُ مِنْ جَهْلَةٍ وَلَا يَنْفَعُ مَنْ عِلْمُهُ. ثُمَّ قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: إِنَّمَا الْعِلْمُ ثَلَاثَةٌ: آيَةٌ مُحْكَمَةٌ أَوْ فَرِيضَةٌ عَادِلَةٌ أَوْ سُنَّةٌ قَائِمَةٌ وَ مَا خَلَاهُنَّ فَهُوَ فَضْلٌ؛<sup>۱۱۲</sup> روزی رسول خدا ﷺ وارد مسجد شد و مشاهده کرد که عده‌ای دور فردی جمع شده‌اند. پرسیدند: چه خبر است؟ جواب دادند: مردی علامه آمده است. پرسیدند: علامه دریاره‌ی چه چیزی است؟ جواب دادند: او از همگان نسبت به نسب عرب و مسائل مربوط به آن آگاه‌تر است و رویدادهای دوران جاهلیت و اشعار و فنون ادبی آن‌ها را می‌داند. پیامبر ﷺ فرمودند: این‌ها دانشی است که نداشتن آن، زینتی ندارد و فراگرفتن آن نیز سودی در پی ندارد. دانش در سه چیز است: فراگرفتن آیه‌ای محکم یا آموختن واجبی از واجبات دینی یا سنتی یا برجا و غیر از این‌ها تنها نوعی فضیلت و برتری به شمار می‌آید.

از این روایت استفاده می‌شود که ملاک ارزش و اعتبار هر دانش آن است که دانستنش نفعی در پی داشته باشد و ندانستن آن ضرر و زینتی را متوجه مسلمانان کند.

شهید مطهری رحمته‌الله ضمن توضیح این سه قسم از دانش، به این نکته اشاره کرده است که این گفتار پیامبر ﷺ در جامعه‌ی آن روز مطرح شده تا بر دانش‌های متداول آن زمان اشاره کند و مردم را از آموختن آنچه تنها مایه‌ی سرگرمی و گذراندن عمر است، باز دارد.<sup>۱۱۳</sup>

شایان ذکر است که گستره‌ی فعالیت‌های فرهنگی و آموزشی فقط به مسجدالنبی محدود نبود، بلکه

مساجد دیگر نیز به فراخور حال و موقعیت خویش فعالیت می‌کردند. در زمان پیامبر ﷺ نه مسجد دیگر در مدینه وجود داشت که همراه با اذان بلال، در آن نماز می‌گزارند.<sup>۱۱۴</sup> علاوه بر این‌ها، مساجد فراوان دیگری نیز وجود داشت که پیامبر ﷺ در بسیاری از آن‌ها حضور می‌یافتند و نماز می‌گزارند.<sup>۱۱۵</sup> البته مسجد قبا در این میان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. این مسجد را پیامبر ﷺ بنا نهاده بود و زیاد به آن رفت و آمد می‌کرد. غزالی در *احیاء العلوم* به نقل از عبدالرحمان بن غنم آورده است:

ده تن از اصحاب رسول خدا ﷺ گفتند که ما در مسجد قبا سرگرم فراگیری دانش بودیم که ناگهان پیامبر ﷺ در آن‌جا حضور یافتند و فرمودند: آنچه می‌خواهید، پیام‌زید و خداوند به شما پاداش ندهد جز این‌که آنچه فرا می‌گیرید به کار بندید.<sup>۱۱۶</sup>

### ۳-۴. برگزاری جلسات پرسش و پاسخ در مسجد

پیامبر اعظم ﷺ از هر فرصتی برای ارتقای سطح علمی اصحاب خویش استفاده می‌کردند. از جمله پس از برپایی نماز جماعت در مسجد به بیان آیات و دستورات الهی می‌پرداختند و به سؤالات مردم جواب می‌دادند.

از ابن عباس نقل شده است: پیامبر ﷺ پس از به جای آوردن نماز صبح، تا طلوع آفتاب در نمازگاه خویش می‌نشستند<sup>۱۱۷</sup> و در این اوقات به ذکر و دعا می‌پرداختند<sup>۱۱۸</sup> ولی بخشی از این فرصت به برگزاری جلسه‌های پرسش و پاسخ اختصاص می‌یافت. در *طبقات ابن سعد* آمده است:

پیامبر ﷺ پس از به جای آوردن نماز صبح در کنار ستون توبه می‌نشستند. پیش از نشستن آن حضرت ﷺ ضعیفان، بینوایان و میهمانان پیامبر ﷺ در آن‌جا جلسه‌ای برپا می‌کردند. پیامبر ﷺ در جلسه‌ی آنان حضور می‌یافتند و آیاتی را که شبانگاه بر ایشان نازل شده بود، برای آن‌ها تلاوت می‌کردند و تا طلوع آفتاب با آنان به بحث و گفت‌وگو می‌پرداختند.<sup>۱۱۹</sup>

آن حضرت ﷺ با کسانی که به منظور پرسش و پاسخ و یاد گرفتن دانشی به حضورشان می‌آمدند، با گشاده‌رویی برخورد می‌کردند و با بیان پاداش و فضیلت آموختن دانش، آنان را به این کار تشویق می‌کردند. سفیان بن عسّان روایت کرده است:

روزی در مسجد النبی به حضور پیامبر ﷺ مشرف شدم و عرض کردم: ای رسول الله، من به قصد فرا گرفتن دانش به حضور شما آمده‌ام؛ آن حضرت با گشاده‌رویی فرمود: *مَرْحَبًا بِطَالِبِ الْعِلْمِ! إِنْ طَالَبَ الْعِلْمَ لَتَحْفَهُ الْمَلَائِكَةُ بِأَجْحِنِهَا ثُمَّ يَرْكَبُ بَعْضُهَا بَعْضًا حَتَّى*

يَبْلُغُوا سَمَاءَ الدُّنْيَا مِنْ مَحَبَّتِهِمْ لِمَا يَطْلُبُ؛<sup>۱۲۰</sup> آفرین بر جوینده‌ی دانش! فرشتگان الهی از آن رو که دانش را دوست دارند، با بال‌های خود دانش‌پژوهان را دربرمی‌گیرند و شمار زیادی از آن‌ها گرداگرد جویندگان علم حلقه می‌زنند، آن گونه که در اکثریت جمعیت به آسمان می‌رسند.

#### ۴-۴. برگزاری مناظره با مخالفان در مسجد

از آن جا که محل ملاقات رسول الله ﷺ با افراد و هیأت‌های تازه وارد، همان مسجدالنبی بود، گاهی بین آن‌ها مناظراتی هم رخ می‌داد. رسول خدا ﷺ با صبر و گشاده‌رویی سخنان آنان را می‌شنیدند و با آن‌ها گفت‌وگو می‌کردند.

در سیره‌ی ابن هشام آمده است:

روزی ضمام بن ثعلبه وارد مدینه شد. او از قبیله‌ی بنی سعد بن بکر و نماینده‌ی آنان بود. وی شترش را در بیرون مسجد خوابانید و به مسجد وارد شد. در این حال رسول الله ﷺ در میان گروهی از اصحابش نشسته بود. ضمام جلو رفت و پرسید: کدام یک از شما فرزند عبدالمطلب است؟ پیامبر ﷺ خود را معرفی کردند. ضمام پرسید: آیا تو همان محمدی؟ فرمودند: آری. پرسید: ای فرزند عبدالمطلب! من سؤال‌هایی از تو دارم و در پرسیدن سخت‌گیرم؛ مبادا از رفتار من ناراحت شوی! آن حضرت ﷺ فرمودند: ناراحت نمی‌شوم؛ آنچه می‌خواهی بپرس. ضمام پرسش‌هایی را درباره‌ی نبوت، پرستش بت‌ها، نمازهای پنج‌گانه، زکات، روزه و حج مطرح کرد و پیامبر ﷺ با صبر و شکیبایی به آنها جواب دادند. آن‌گاه ضمام اسلام آورد و شهادتین را بر زبان جاری کرد و گفت: به زودی واجبات را انجام خواهم داد و از محرمات دوری خواهم کرد.

پیامبر ﷺ به اصحاب خود فرمودند: اگر این مرد راست بگوید، بهشت را از آن خود کرده است.

ضمام وقتی به قبیله‌ی خویش بازگشت، در اجتماع آنان حاضر شد. او ابتدا بت‌های لات و عزی را نکوهش و سپس شرح ملاقات خود را با پیامبر ﷺ برای آن‌ها بازگو کرد. پس از آن تمام افراد قبیله‌ی ضمام اسلام آوردند. عبدالله بن عباس روایت کرده است: ما هیچ نماینده‌ی قبیله‌ای را برتر از ضمام بن ثعلبه نیافتیم.<sup>۱۲۱</sup>

و از جمله هیأت‌هایی که در مسجد به مناظره با آن حضرت ﷺ پرداخت، هیأت ثقیف بود. واقدی در شرح

جریان آن‌ها آورده است:

وقتی که فرستادگان ثقیف به ریاست عبدیاللیل وارد مسجد شدند، مسلمانان پیش رسول الله ﷺ رفتند و عرض کردند: یا رسول الله! ایشان که مشرک اند، آیا می توانند وارد مسجد شوند؟ فرمود: بلی، می توانند. زمین پاک است و چیزی آن را نجس نمی کند. سپس پیامبر ﷺ دستور دادند که سه سایبان از شاخ و برگ خرما برای آن ها ساخته شود. آن ها در آن جا مستقر شدند و تلاوت قرآن اصحاب پیامبر ﷺ را می شنیدند و شاهد عبادت های شبانه ی آنان بودند و هنگام نماز های جماعت، صفوف به هم فشرده ی مسلمانان را نظاره می کردند. به تدریج آنان اسلام آوردند و صلح نامه ای را با پیامبر اعظم ﷺ امضا کردند. ۱۲۲

از دیگر هیأت هایی که به مسجد النبی آمدند و به مناظره با رسول الله ﷺ پرداختند، هیأت نمایندگی نجران بود. زمانی که آنان به مسجد وارد شدند، پیامبر ﷺ نماز عصر را به جای آورده بودند. وقت نماز مسیحیان که فرا رسید، آنان در مسجد پیامبر ﷺ به سوی مشرق به نماز ایستادند! برخی از اصحاب گفتند: یا رسول الله، این جا مسجد شماست! اما پیامبر ﷺ آنان را به حال خود گذاشتند تا نماز خویش را به جای آورند. آنان برای اثبات ادعای تثلیث دلایلی بیان کردند. پیامبر اکرم ﷺ نیز آیاتی از سوره ی آل عمران را در جواب آن ها قرائت فرمودند، اما آنان نپذیرفتند و بر ادعای باطل خویش اصرار می کردند و قصد گریز از حقیقت را داشتند که مسأله ی مباحله به میان آمد. ۱۲۳

#### ۵-۴. دادرسی و قضاوت در مسجد

پیامبر اعظم ﷺ بنا به دستور خدای متعال که می فرماید:

﴿فَأَحْكُم بَيْنَهُم بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ﴾ ۱۲۴

و نیز کریمه ی:

﴿فَلَا وَزَيْكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ﴾ ۱۲۵

و آیات دیگر که امر قضاوت را مخصوص رسول الله ﷺ می داند، شخصاً به قضاوت در میان مردم می پرداختند و مردم برای اقامه ی دعا در مسجد به حضور آن حضرت ﷺ می رسیدند.

مراحل قضاوت در مسجد انجام می گرفت و در صورت صدور حکم زندان برای کسی، او را در حصار ی که در داخل مسجد تعبیه شده بود، زندانی می کردند.

هم چنین اسیران را پس از جنگ به مسجد می آوردند و به یکی از ستون های مسجد می بستند تا پیامبر ﷺ درباره ی آن ها حکم نهایی را صادر کنند.

در سیره ی ابن هشام درباره ی سفانه، دختر حاتم طایی که اسیر شده بود، چنین آمده است:

فَجُعِلَتْ بِنْتُ حَاتِمٍ فِي حَظِيرَةِ بِيَابِ الْمَسْجِدِ كَانَتْ السَّبَايَا تُحْبَسُ فِيهَا،<sup>۱۲۶</sup> دختر حاتم را در محوطه‌ی دیوارکشی شده‌ای در ورودی مسجد پیامبر ﷺ که اسیران را در آنجا زندانی می‌کردند، جای دادند.

#### ۶-۴. مسجد به عنوان قرارگاه نظامی

پیامبر اعظم ﷺ در حکومت ده‌ساله‌ی خویش بیش از هشتاد غزوه و سربه‌را پشت سر گذاشتند که زمینه‌های فکری و اجتماعی بیش‌تر این جنگ‌ها در مسجدالنبی فراهم می‌شد؛ به عبارت دیگر، مسجد در عین حالی که محل عبادت بود، قرارگاه و ستادی برای اداره‌ی جنگ‌ها نیز به شمار می‌رفت. در متون تاریخی آمده است که آن حضرت ﷺ برای موضع‌گیری مناسب در جنگ بدر، در یکی از مساجد اطراف مدینه به نام عِرْقُ الظَّيْبَةِ با اصحاب خود به مشورت پرداختند.<sup>۱۲۷</sup> ابن هشام می‌نویسد:

پیامبر اکرم ﷺ و اصحابش برای حضور در غزوه‌ی احد، روز جمعه پس از پایان نماز عصر از مسجدالنبی به سوی منطقه‌ی احد حرکت کردند.<sup>۱۲۸</sup> واقدی در شرح حوادث پس از جنگ احد می‌نویسد:

بزرگان اوس و خزرج مانند سعد بن عباده، سعد بن معاذ و اسید بن حضیر همراه با عده‌ای، شب بعد از غزوه‌ی احد را در مسجد گذراندند و تا صبح بیدار و مواظب بودند که دشمن شبیخون نزند.<sup>۱۲۹</sup>

و در ادامه می‌نویسد:

پیامبر اکرم ﷺ برای شرکت در غزوه‌ی حراء الأسد در حالی که به شدت در جنگ احد مجروح شده بودند، وارد مسجد شدند. اهالی بالای مدینه هم وقتی فرمان جهاد را شنیدند، به سرعت خود را به مسجد النبی رساندند. آن حضرت ﷺ دو رکعت نماز به جای آوردند و امر فرمودند تا اسب ایشان را بر در مسجد حاضر کنند. ایشان زره پوشیده و کلاه خود و مفقر بر سر گذاشته بودند، به طوری که تنها چشمان ایشان دیده می‌شد.<sup>۱۳۰</sup>

این‌ها نمونه‌هایی از تجهیز و تدارک سپاهیان اسلام در مسجد بود و آن حضرت ﷺ در هنگام بازگشت از غزوه‌ها نیز توجه خاصی به مسجد داشتند. آن حضرت ﷺ هرگاه از غزوه‌ای بازمی‌گشتند، ابتدا به مسجد می‌رفتند و در آنجا دو رکعت نماز می‌گزارند.<sup>۱۳۱</sup>

#### ۷-۴. رسیدگی به مسائل مالی جامعه و امور بیت‌المال در مسجد

در تاریخ آمده است که گاهی اموال عمومی و غنایم در مسجدالنبی تقسیم می‌شد. در صحیح بخاری آمده است:

مالی را از بحرین برای رسول خدا ﷺ آورده بودند. آن حضرت ﷺ فرمودند: آن را در مسجد قرار دهید تا توزیع شود. و این بیشترین مالی بود که تا آن زمان برای پیامبر ﷺ آورده بودند. آن‌گاه که رسول الله ﷺ برای ادای نماز به مسجد آمدند، در کنار آن مال نشستند و هیچ کسی نماند، مگر این آن حضرت ﷺ چیزی از آن را به او بخشیدند.<sup>۱۳۲</sup>

#### ۴-۸. مداوای مجروحان در مسجد

پیامبر اعظم ﷺ برای احترام به مجروحان جنگی و استفاده از فضای معنوی مسجد جهت تسریع در بهبود مجروحان و بیماران دستور داده بودند تا در مسجد خیمه‌ای برپا گردد و از آنها در آنجا پرستاری شود. سید جعفر مرتضی در *الأدب الطیب فی الاسلام* می‌نویسد:

وقد كان في مسجد الرسول موضع يُعالج فيه المرضى والجرحى وكان الرسول والصحابَةُ يتفقَدون المرضى النَّازلين؛<sup>۱۳۳</sup> در مسجد پیامبر ﷺ جایگاهی برای معالجه‌ی بیماران و مجروحان معین شده بود که پیامبر ﷺ و صحابه از بستری شدگان در آنجا عیادت و دل‌جویی می‌کردند.

واقعی می‌نویسد:

پس از جنگ اُحُد و زخمی شدن تعداد زیادی از لشکریان اسلام، مسلمانان در مسجد چراغ و آتش برافروخته بودند و از مجروحان پرستاری می‌کردند.<sup>۱۳۴</sup> و پس از مجروح شدن سعد بن معاذ در جنگ خندق، رسول خدا ﷺ دستور دادند تا او را در خیمه‌ی رفیده بستری کنند تا معالجه و پرستاری شود. رفیده زنی بود که به خاطر رضایت خدایا از مجروحان جنگی پرستاری می‌کرد.<sup>۱۳۵</sup>

عده‌ای عقیده دارند که نخستین بیمارستان در اسلام، همان خیمه‌ای بود که در مسجدالنبی برافراشته شده بود و به دستور رسول خدا ﷺ زنی به نام رفیده مسئول پرستاری از مجروحان شده بود.

#### ۴-۹. خدمت‌رسانی به محرومان در مسجد

در زمان پیامبر اعظم ﷺ گروهی از مستمندان مسلمان که در مدینه جا و کسی را نداشتند، در مسجد زندگی می‌کردند. «آنها که قریب چهارصد تن بودند از کمک‌های مالی و خدماتی پیامبر ﷺ و اصحابش برخوردار بودند. به دستور پیامبر ﷺ آن‌ها در بخشی از انتهای مسجد که مسقف بود سکنا گزیده، ضمن اقامت در آنجا قرآن می‌آموختند، روزه می‌گرفتند و به جهاد می‌رفتند».<sup>۱۳۶</sup>

در طبقات ابن سعد آمده است:

شب‌ها رسول خدا ﷺ اصحاب صفه را فرا می‌خواندند و هر چند نفر از ایشان را برای صرف شام به منزل یکی از انصار می‌فرستادند و گروهی را نیز با خود به منزل می‌بردند و در آن‌جا از ایشان پذیرایی می‌کردند.<sup>۱۳۷</sup>

بعدها این فرهنگ در میان مسلمانان همه‌ی سرزمین‌ها گسترش یافت که غریبان و بی‌پناهان حق دارند در مساجد سکنا گزینند و مسافران به محض ورود به شهری به سوی مسجد جامع آن می‌رفتند و در آن‌جا استراحت می‌کردند.<sup>۱۳۸</sup>

#### ۱۰-۴. برگزاری مراسم عقد ازدواج در مسجد

پیامبر اعظم ﷺ مراسم عقد ازدواج فاطمه زهرا علیها السلام و علی علیه السلام را در مسجد برگزار کردند<sup>۱۳۹</sup> و به دستور آن حضرت صلی الله علیه و آله سفره‌ای در مسجد گسترده و مسلمانان را اطعام کردند.<sup>۱۴۰</sup> آن‌گاه عروس و داماد را به مسجد فراخواندند و دست فاطمه علیها السلام را در دست علی علیه السلام گذاردند و برای آن دو دعا کردند.<sup>۱۴۱</sup> به پیروی از همین سنت پیامبر صلی الله علیه و آله بسیاری از علما مراسم خطبه‌ی عقد را در مسجد برگزار می‌کنند و و پایه‌گذاری بنیان خانواده را از مسجد شروع می‌کنند.

#### ۱۱-۴. مسجد، پایگاه تهذیب اخلاق و اصلاح مفاسد اجتماعی

در فروع کافی آمده است:

یکی از جوانان مدینه در نماز جماعت حاضر می‌شد و پشت سر رسول خدا صلی الله علیه و آله نماز می‌خواند، اما از سوی دیگر مرتکب کارهای خلاف و منافی عفت می‌شد؛ شخصی خلاف کاری آن جوان را به گوش آن حضرت صلی الله علیه و آله رسانید تا مانع از حضور وی در مسجد شود، ولی آن حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: طولی نمی‌کشد که نماز، او را از عمل خلاف بازمی‌دارد. چند روزی نگذشت که آن جوان از خلاف‌کاری‌های خود دست کشید و خود را اصلاح کرد.<sup>۱۴۲</sup>

اگر مقدمه و زمینه‌ی اصلاح نفوس مردم در جذب آنها به مسجد نهفته باشد، حضرت در این راستا کمال مدارا با مردم را داشتند که کسی از مسجد نرنجد و با آن قطع ارتباط نکند. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله چنان که قرآن می‌فرماید، نسبت به مردم، رئوف و رحیم بودند و با خلق عظیم خویش با آن‌ها رفتار می‌کردند.

انس بن مالک روایت می‌کند:

همراه رسول الله صلی الله علیه و آله در مسجد بودیم که یک اعرابی وارد شد. او در گوشه‌ای از مسجد شروع به بول کردن نمود؛ اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله با دیدن این وضع آشفته

شدند و به سرعت گفتند: این کار را نکن! این کار را نکن! اما رسول خدا ﷺ فرمود: او را دستپاچه نکنید! رهایش کنید! اصحاب او را به حال خود گذاشتند تا بولش تمام شد. سپس رسول خدا ﷺ او را فرا خواند و فرمود: مساجد، جای بول کردن و قضای حاجت نیست، بلکه محل ذکر خدا و نماز و قرائت قرآن است. آن گاه پیامبر ﷺ به یکی از اصحاب دستور داد تا دلوی آب بیاورد و در محل بول پاشد.<sup>۱۴۳</sup>

#### ۱۲-۴. حضور زنان در مسجد، زمینه‌ای برای حضور اجتماعی آنان

پیامبر اعظم ﷺ پس از مبعوث شدن از سوی خدای متعال، مأمور به اقامه‌ی نماز شدند، در حالی که فقط علی ﷺ و خدیجه کبری ﷺ به ایشان ایمان آورده بودند. در این حال آن حضرت ﷺ، عملاً زن را به صحنه‌ی اجتماعات عبادی فراخواندند و در کنار مسجدالحرام، در حالی که شرک و جاهلیت همه را فرا گرفته بود، به همراه علی و خدیجه ﷺ نماز جماعت برگزار می‌کردند. مورخان به نقل از عقیقه‌ی کندی نوشته‌اند که گفت:

من برای امر تجارت نزد عباس بن عبدالمطلب در مکه رفته بودم و ما دو نفر در کنار کعبه بودیم. ناگهان شخصی وارد مسجدالحرام شد، نگاهی به آسمان و خورشید کرد و رو به کعبه به نماز ایستاد [کعبه را مابین خود و مسجدالاقصی قرار می‌داد]. سپس پسری را دیدم که در کنار او ایستاد و دیری نپایید که زنی وارد شد و پشت سر آنها قرار گرفت. من مشاهده می‌کردم که این دو نفر به پیروی از آن مرد نماز می‌گزاردند. به عباس گفتم: این چه دین و مراسمی است که من از آن بی‌خبرم؟! گفت: این مرد، محمد بن عبدالله ﷺ برادرزاده‌ی من و آن نوجوان علی ﷺ و آن زن خدیجه بنت خویلد همسر اوست. محمد ﷺ عقیده دارد که پروردگارش، همان پروردگار آسمان‌ها و زمین است و خداوند او را برای هدایت انسان‌ها برانگیخته است. این دین در حال حاضر غیر از این سه نفر موافق دیگری ندارد.<sup>۱۴۴</sup>

آن حضرت ﷺ پس از هجرت به مدینه، بخشی از مسجد را به زنان اختصاص دادند و در سفارشی به اصحاب فرمودند:

إِذَا إِشْتَأَذَتْ أَمْرَأَةٌ أَحَدَكُمْ إِلَى الْمَسْجِدِ فَلَا يَمْنَعُهَا؛<sup>۱۴۵</sup> اگر همسر یکی از شما اجازه خواست تا به مسجد برود، مانع نشوید.

و حتی به این مقدار اکتفا نکردند و در سفارشی دیگر فرمودند:

إِذَا إِشْتَأَذَتْ نِسَاءُكُمْ بِاللَّيْلِ إِلَى الْمَسْجِدِ فَأَذِنُوا لَهُنَّ؛<sup>۱۴۶</sup> اگر زنان شما در هنگام شب (برای نماز عشا) از شما اجازه خواستند تا به مسجد بروند به آنها اجازه بدهید.



و در روایتی دیگر فرمودند:

لَاتَمْنَعُوا النِّسَاءَ حُطُوطَهُنَّ مِنَ الْمَسَاجِدِ إِذَا أَسْتَأْذَنُوكُمْ؛<sup>۱۴۷</sup> وقتی که زنان از شما اجازه می‌خواهند تا به مسجد بروند، آنها را از ثواب و بهره‌ی مسجد محروم نکنید.

أُمِّ عَطِيَّةٍ نَقَلَ مِی‌کند:

وقتی رسول الله ﷺ می‌خواست نماز عید را بخواند، دستور می‌داد که زنان و دختران و حتی آنان که در عادت ماهیانه به سر می‌برند، از شهر مدینه بیرون بیایند و در نماز عید شرکت نمایند. لیکن زنان صاحب عادت در گوشه‌ای می‌نشستند و به خطبه‌های نماز عید گوش فرا می‌دادند.<sup>۱۴۸</sup>

آن حضرت ﷺ نه تنها توصیه می‌کردند که به زنان اجازه داده شود تا در مسجد حاضر شوند، بلکه مراعات حال آن‌ها را هم می‌کردند، چنان که در روایتی فرمودند:

أَنِّي لَأَقُومُ إِلَى الصَّلَاةِ أُرِيدُ أَنْ أُطَوِّلَ فِيهَا فَاسْمَعُ بَكَاءَ الصَّبِيِّ فَأَتَجَوَّزُ فِي صَلَاتِي كِرَاهِيَةً أَنْ أَشُقَّ عَلَى أُمِّهِ؛<sup>۱۴۹</sup> گاه اتفاق می‌افتد که وارد نماز می‌شوم و تصمیم دارم که آن را طولانی کنم، اما صدای گریه‌ی طفلی را می‌شنوم و بدین جهت نماز را سبک برگزار می‌کنم تا می‌آدا بر مادرش سخت بگذرد.

### ۱۳-۴. مسجد پایگاه تربیت نسل نو

خدای متعال در سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۳۱ می‌فرماید:

﴿يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ﴾؛ ای فرزندان آدم! زینت‌های خودتان را هنگام رفتن به مسجد بردارید.

و در سوره‌ی کهف، آیه‌ی ۴۶ می‌فرماید:

﴿الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا﴾؛ مال و فرزندان زینت زندگی دنیا هستند.

برخی از مفسران با تفسیر قرآن به قرآن نتیجه گرفته‌اند که شایسته است هر مسلمانی به هنگام رفتن به مسجد، بهترین لباس‌های خویش را بپوشد و فرزندان خود را به همراه ببرد.

پیامبر اعظم ﷺ که اخلاق و سیره‌شان قرآنی بود، فرزندان خود را به مسجد می‌بردند. عبدالله بن شداد از

پدرش نقل می‌کند:

رسول الله ﷺ برای برگزاری نماز عشا وارد مسجد شد، در حالی که امام حسن یا امام حسین علیهما السلام بر دوشش سوار بودند. پیامبر اعظم ﷺ تکبیر را گفت و وارد نماز شد. در این نماز یکی از سجده‌ها را خیلی طولانی کرد. پدرم گفت: من سر از سجده برداشتم و طفلی را دیدم که بر پشت پیامبر ﷺ سوار شده است و آن حضرت ﷺ در سجده

است. برای همین دوباره به سجده برگشتم. پس از اتمام نماز، مردم پرسیدند: یا رسول الله، یکی از سجده‌ها را بسیار طولانی کردی! علت آن چه بود؟ ما گمان کردیم که حادثه‌ای رخ داده یا وحی بر شما نازل شده است! آن حضرت ﷺ فرمود: هیچ کدام از این‌ها نبود، بلکه پسرم بر پشتم سوار شد و دوست نداشتم که او را وادار به پایین آمدن کنم تا خودش به میل خودش از پشتم پایین بیاید. <sup>۱۵۰</sup>

#### ۱۴-۴. مسجد پایگاه تمرین نظم و انضباط اجتماعی

پیامبر اعظم ﷺ الگوی نظم و انضباط بودند و در تمام کارها و از جمله در نماز جماعت نظم را به شدت رعایت می‌کردند.

نعمان بن بشیر نقل می‌کند:

رسول الله ﷺ آن گونه صف‌های ما را منظم می‌کردند که گویی ظرف‌های آب را کنار هم می‌چینند، تا جایی که گویی ما را طراز کرده‌اند! تا این که روزی برای نماز وارد مسجد شدند و پس از مدتی برخاستند که تکبیر نماز را بگویند. در این حال متوجه شدند که مردی، سینه اش را جلوتر از دیگران نگاه داشته است. آن حضرت ﷺ فرمودند: بندگان خدا! صف‌های خود را مساوی هم قرار دهید که در غیر این صورت خداوند بین شما اختلاف خواهد انداخت. <sup>۱۵۱</sup>

آن حضرت ﷺ مسجد را که محل حضور دایمی مسلمانان بود، به مرکزی برای آموزش نظم تبدیل کرده بودند. عبدالله بن مسعود درباره‌ی اهتمام رسول الله ﷺ به نظم در مسجد نقل می‌کند:

كان رسول الله ﷺ يَمْسُحُ مَنَاكِبَنَا فِي الصَّلَاةِ وَيَقُولُ: اسْتَوُوا وَلَا تَخْتَلِفُوا فَتَخْتَلِفُ قُلُوبُكُمْ؛ <sup>۱۵۲</sup> رسول خدا ﷺ در نماز جماعت شانه‌های ما را با دستان مبارکش می‌گرفتند و می‌فرمودند: مساوی و منظم باشید و نامنظم نایستید که قلب‌های شما از همدیگر جدا می‌شود.

بدیهی است که حضور در مساجد باعث ساماندهی نظم و انضباط در زندگی اجتماعی می‌شود و افرادی که بیش‌تر به مسجد می‌روند و در نماز جماعت شرکت می‌کنند، زندگی‌شان با نظم و توجه بیش‌تری است و کم‌تر حق دیگران را ضایع می‌کنند.

#### ۱۵-۴. برنامه‌ریزی برای عدم انحراف مسجد از جایگاه آن در اسلام

با وجود آن که مسجد یک مکان مقدس و دارای احکام و احترام ویژه است، گاهی از همین مکان مقدس برای ایجاد ضرر و اختلاف در میان مسلمانان استفاده می‌شود؛ از این‌رو جا دارد به چگونگی بنیان‌گذاری

مسجد ضرار اشاره‌ای بشود. در قباء سه طایفه از بنی عوف زندگی می‌کردند: بنی عمرو بن عوف، بنی سالم بن عوف و بنی غنم بن عوف. بنی عمرو بن عوف از اسلام و مسلمین استقبال کردند و مهاجرین را در خانه‌های خود ساکن کردند و قطعه زمینی را برای ساختن مسجد هدیه کردند که به مسجد بنی عمرو بن عوف یا مسجد قباء شناخته شد.

بنی سالم و بنی غنم با شک و تردید مسلمان شدند<sup>۱۵۳</sup> و هنوز نفاق در دل‌هایشان وجود داشت. آنها نسبت به پسرعموهایشان در مورد مسجد قباء حسادت می‌ورزیدند.<sup>۱۵۴</sup>

شیخ طوسی در تبیان<sup>۱۵۵</sup> از ابن اسحاق<sup>۱۵۶</sup> و واقدی نقل کرده است:

آنان پانزده نفر و عبارت بودند از: ابو حبیبه بن أزرع، بجاد بن عثمان، ثعلبة بن حاطب، خذام بن خالد، عبّاد بن حنیف از بنی عمرو بن عوف و برادرش سهل بن حنیف، معتب بن قشیر، ودیعه بن ثابت، جاریة بن عامر که به جمار الذّار (اللاغ خانه) مشهور بود و پسرانش: زید و یزید و مجتّع که بعدها، همین مجتّع، رئیس منافقان شد<sup>۱۵۷</sup> و عبدالله بن نبتل.

ابن نبتل از کسانی بود که پیش رسول الله ﷺ می‌آمد و سخنانش را می‌شنید و آن‌گاه پیش رفقای منافقش می‌رفت و سخنان آن حضرت ﷺ را بازگو می‌کرد. پس جبرئیل به پیامبر ﷺ فرمود: ای محمد، یکی از منافقین پیش تو می‌آید و به سخنانت گوش می‌دهد و آن را برای منافقین نقل می‌کند! رسول خدا ﷺ پرسید: او کیست؟ فرمود: آن مرد سیاه‌چهره‌ای که موهای زیاد دارد و دلش همانند دل الاغ است و با چشم‌های شیطان نگاه می‌کند و چشم‌های قرمزش به دو کاسه‌ی خون می‌ماند و با زبان شیطان صحبت می‌کند.<sup>۱۵۸</sup>

آنها همراه پسرعموهایشان از بنی عمرو بن عوف در مسجد قباء جمع می‌شدند، ولی با همدیگر به نجوا می‌پرداختند. در این حال مسلمانان خیره خیره به آنها نگاه می‌کردند. این باعث می‌شد که بر آنها سخت بگذرد، برای همین تصمیم گرفتند مسجدی بسازند تا افرادی مثل خودشان در آن جمع شوند.<sup>۱۵۹</sup>

آنها مسجد را در قسمتی از خانه‌ی ودیعه بن ثابت، همسایه‌ی ابو عامر، راحب فاسق، بنا کردند. ابولبابه بن عبدالمنذر بدون این که هم عقیده‌ی ایشان باشد، چوب‌هایی را برای ساختن مسجد به آنها هدیه کرد.<sup>۱۶۰</sup>

سیس پنج نفر از ایشان به نام‌های: ابو حبیبه بن أزرع، ثعلبة بن حاطب، خذام بن خالد، عبدالله بن نبتل و معتب بن قشیر پیش رسول خدا ﷺ که در حال تجهیز لشکر برای

غزوه‌ی تبوک بودند، آمدند و عرض کردند: ای پیامبر خدا، به خاطر نیازی که احساس می‌کردیم و به سبب این که بعضی از شب‌ها بارانی است و بعضی شب‌ها تاریک و ظلمانی است و آمدن به مسجد قباء سخت است، مسجدی را بنا کرده‌ایم؛ دوست داریم که تشریف بیاورید و در آن نماز بخوانید. آن حضرت ﷺ فرمودند: من در حال سفر هستم و کارهایم زیاد است، به خواست خدا اگر برگشتم، پیش شما می‌آیم و در آن نماز می‌خوانم. <sup>۱۶۱</sup>

از خیر عاصم بن عدی چنین فهمیده می‌شود که آنان، وقتی پیش رسول خدا ﷺ رفتند که هنوز مشغول ساختن مسجد بودند، زیرا واقدی از او روایت کرده است:

در حال آماده شدن برای غزوه‌ی تبوک بودیم که ثعلبة بن حاطب و عبدالله بن نبتل را دیدم که تازه از نصب ناودان مسجد ضرار فارغ شده بودند. آنها وقتی مرا دیدند، گفتند: ای عاصم، رسول خدا ﷺ به ما قول داده است که وقتی از تبوک برگشت، در آن نماز بخواند - و من می‌دانستم که این مسجد را ابو حبیبة بن اُزَیر بنیان‌گذاری کرده است - و در این حال خُذام بن خالد و ودیعة بن ثابت که از منافقان معروف بودند، از خانه‌ای خارج شدند. <sup>۱۶۲</sup>

آنها بر امامت مجتبع بن جاریة بن عامر، معروف به الاغ خانه در این مسجد به توافق رسیده بودند که در آن ایام امام ایشان بود. <sup>۱۶۳</sup>

دستور تخریب و به آتش کشیدن مسجد ضرار یکی از شدیدترین نمونه‌های برخورد پیامبر با انحراف مسجد از جایگاه اصیل اسلامی آن است. ابن اسحاق می‌نویسد:

رسول خدا ﷺ از تبوک به سوی مدینه پیش آمد تا در منزلگاه ذی‌اوان فرود آمد. از این جا تا مدینه یک ساعت راه بود. <sup>۱۶۴</sup> گفته می‌شود: منافقان متخلف، از مدینه بیرون آمدند تا از آن حضرت ﷺ و لشکریان اسلام استقبال کنند. رسول اکرم ﷺ به لشکریان دستور داد: با هیچ یک از متخلفان صحبت نکنید و با آنان هم‌نشین نشوید تا به شما اجازه دهم. <sup>۱۶۵</sup>

خبر مسجد ضرار و اهل آن توسط وحی <sup>۱۶۶</sup> به اطلاع پیامبر ﷺ رسید:

﴿وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضَرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَلَيَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَىٰ، وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ، لَأَتَّخِمَنَّ فِيهِ أَعْيُنُنَا وَتَرْجُوهُنَّ لِنَخَسَّ مِنْهَا نُفُوسَنَا نَبْذًا أَبَدًا﴾؛ <sup>۱۶۷</sup> و آن‌هایی که مسجدی اختیار کردند که مایه‌ی زیان و کفر و پراکندگی میان مؤمنان است و نیز کمینگاهی است برای کسی که قبلاً با خدا و پیامبر او به جنگ

بخشنامه‌ها و اصول  
۱۵۶  
پاییز و زمستان ۱۳۸۵

برخاسته بود، و سخت سوگند یاد می‌کنند که جز نیکی قصدی نداشتیم، ولی خدا گواهی می‌دهد که آنان قطعاً دروغگو هستند و هرگز به مسجد آن‌ها نرو....

قمی می‌نویسد:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عامر بن عدی از بنی عمرو بن عوف اوسی و مالک بن دُخشم خزاعی را فرستاد تا این مسجد را آتش بزنند و تخریب کنند! مالک خزاعی به منزل رفت و آتشی آورد و با آن برگ‌های خرمایی را که در سقف به کار رفته بود آتش زد و کسانی که در آن بودند، متفرق شدند. پس از آن که مسجد سوزانده شد، دیوارهای آن را خراب کردند.<sup>۱۶۸</sup>

طبرسی در مجمع‌البیان<sup>۱۶۹</sup> اضافه کرده است:

آن حضرت صلی الله علیه و آله عمار بن یاسر را با افرادی فرستاد تا آن را آتش بزند و دستور داد که جای مسجد به محل جمع‌آوری آشغال و فاضلاب تبدیل شود.<sup>۱۷۰</sup>

بدین ترتیب مشاهده می‌شود که در سیره‌ی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله مسجد نقش محوری داشته و یک نهاد مهم جامعه‌ی اسلامی به حساب می‌آمده و آنچه گذشت، گوشه‌ای است از آنچه در تاریخ و سیره ثبت شده است. به امید آن که در سایه‌ی برپایی نظام اسلامی در ایران، مساجد نقش و جایگاه و هویت اسلامی خویش را بازیابند و همانند صدر اسلام رونق و آبادانی خویش را به دست آورند.

نتیجه:

چنان که اشاره شد، مسجد در سیره‌ی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و در آینه‌ی آیات و روایات کارکردهای عبادی، حکومتی، آموزشی، نظامی، اقتصادی و... داشته است. اما به تدریج و در اثر تغییر جوامع و حکومت‌ها و به وجود آمدن شرایط متفاوت، مسجد بسیاری از کارکردهای خود را از دست داده و تنها، محلی برای برپایی نماز شده است. این در حالی است که اگر کارکردهای دیگر مسجد تقویت شود، کارکرد عبادی آن هم رونق می‌گیرد. با عنایت به این که از اولین اقدامات حکومت صالحان، تلاش برای آباد کردن مساجد است، جا دارد که بررسی‌ها و تحقیقات لازم برای آباد کردن و احیای مساجد صورت پذیرد و کارکردهای فراموش شده یا واگذار شده به مراکز دیگر، به مسجد بازگردانده شود تا این مرکز مهم اسلامی بتواند در جهت تحکیم پایه‌های عقیدتی و انتقال مفاهیم و اندیشه‌های اسلامی به نسل‌های آینده، نقش‌آفرینی کند.

## پی نوشت‌ها:

۷۹. امام خمینی (ره)، صحیفه‌ی نور، ج ۱۷ (تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی)، ص ۵۴؛ بیانات امام (ره) در جمع انجمنی جمعی مراکز استان‌های سراسر کشور در تاریخ ۲۲/۷/۶۱.
۸۰. ابن منظور، لسان العرب، ج ۳، (بیروت: دارالصادر، ۱۹۹۷ م)، ص ۲۴۶، ماده‌ی «سجده».
۸۱. سید محمد مرتضی‌الحسینی الزبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، ج. (بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۹۷۰ م)، ص ۱۷۴.
۸۲. بطرس، بستانی، محیط محیط، (بیروت: بی‌نا، ۱۹۷۷ م)، ماده‌ی «سجده»، ص ۳۹۶.
۸۳. سوره‌ی ق، ۴۰.
۸۴. راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، (قم: اسماعیلیان، بی‌تا)، ماده‌ی سجده.
۸۵. علی اکبر دهخدا، لغت‌نامه دهخدا (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، سال ۱۳۷۷ ش).
۸۶. محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه (تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۶، ۱۴۰۳ ق)، ج ۴، باب ۲۳ از ابواب السجود، ح ۵، باب استحباب طول السجود.
۸۷. همان، ج ۳، ص ۲۷۷، باب الصلاة، احکام المسجد.
۸۸. محمد حسن نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۱۴ (تهران: دارالکتب الاسلامیه، بی‌تا، ج ۲)، ص ۶۹.
۸۹. مرتضی مطهری، سیری در سیره‌ی نبوی (قم: صدرا)، ص ۵۳.
۹۰. ابن شیبّه، ابوزید عمر بن شبه نعیری، تاریخ مدینه (قم: دارالفکر، ۱۴۱۰ ق)، ج ۱، ص ۵۴.
۹۱. امین الاسلام، فضل بن حسن طبرسی، اعلام‌الوری، ح ۱ (قم: مؤسسه اهل‌بیت، ۱۴۱۷ ق)، ص ۱۵۹؛ قطب راوندی، قصص الانبیاء، ص ۳۳۸.
۹۲. محمد بن یعقوب کلینی، فروع کافی، ج ۱ (بیروت: دارالاضواء)، ص ۸۱ و ۳۱۷؛ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۷۵ و شیخ طوسی، تهذیب، ج ۱، ص ۳۲۷ و رسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵۴۶.
۹۳. حسینعلی عربی، تاریخ تحقیقی اسلام (ترجمه‌ی موسوعه‌ی تاریخ الاسلامی) (قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ج ۲، ۱۳۸۲ ش)، ص ۱۹۴.
۹۴. ابن هشام، السیره النبویه، ج ۲ (بیروت: دارالقلم، بی‌تا) ص ۱۲۳؛ علی بن عبدالله حسینی شافعی سمهودی، وفاء الوفاء، بأخبار دار المصطفی، (بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج ۳، ۱۳۹۳ ق)، ص ۲۴۶.
۹۵. محمد بن علی بن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۱۸۲، ۱۸۶.
۹۶. منقذ هندی، کنز العمال، ج ۷، ص ۶۵۰؛ بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۱۲۲، باب ۶.
۹۷. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۳ (بیروت: مؤسسه الوفاء، ج ۲، ۱۴۰۳ ق)، ص ۳۶۹.
۹۸. توبه، ۱۸.
۹۹. بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۸۶، باب ۴.
۱۰۰. همان.
۱۰۱. صدوق، أمالی، (قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه‌ی علمیه قم، ۱۳۶۱)، ص ۱۸۰.
۱۰۲. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۵۳.
۱۰۳. بحار الانوار، ج ۸۰، ص ۲۷۷.
۱۰۴. میرزا حسن محدث نوری، طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۲ (بیروت: مؤسسه آل‌البیت، ج ۲، ۱۴۰۸ ق)، ص ۳۶۳.

۱۰۵. کز العمال، ج ۷، ص ۶۵۹.
۱۰۶. همان، ص ۶۴۸.
۱۰۷. جعفر کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۳۰.
۱۰۸. شیخ عباس قمی، سفینه البحار، ماده‌ی «أخذ».
۱۰۹. غزالی، احیاء علوم الدین، (بیروت: دارالکتب الاسلامیه، ج ۱، ۱۴۰۶ ق)، ج ۱، ص ۹۰۸.
۱۱۰. عاملی، منیه المرید، ص ۱۰۵؛ و بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۰۶، باب ۴.
۱۱۱. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۸۶.
۱۱۲. اصول کافی، ج ۱، باب العلم والجهل.
۱۱۳. مرتضی، مطهری، ده گفتار (قم: صدرا، بی تا)، ص ۱۴۴.
۱۱۴. عبدالحی کنانی، نظام الحکومه النبویه، ج ۱، (بیروت: دارالکتب العربی، بی تا)، ص ۱۰.
۱۱۵. تاریخ مدینه، ج ۱، ص ۵۷-۷۹.
۱۱۶. غزالی، احیاء علوم الدین، ج ۱ (بیروت: دارالکتب العلمیه، ج ۱، ۱۴۰۶ ق) ص ۷۸.
۱۱۷. تاریخ مدینه، ج ۲، ص ۵۶۷.
۱۱۸. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۰۳۵؛ و إحياء العلوم، ج ۱، ص ۳۹۵.
۱۱۹. ابن سعد، طبقات، ج ۲، ص ۴۴۵.
۱۲۰. عاملی، منیه المرید، ص ۱۰۶؛ و بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۸۵، باب ۱.
۱۲۱. ابن هشام، السیره النبویه، ج ۴، ص ۲۱۹-۲۲۱.
۱۲۲. محمد بن عمر واقدی، المغازی، ص ۷۳۳-۷۳۶؛ و طبرسی، مجمع البیان، ج ۲، ص ۴۰۶.
۱۲۳. محمد حسین طباطبایی، المیزان، ترجمه‌ی سید محمد باقر موسوی همدانی، ج ۳ (تهران: بنیاد علامه طباطبایی، ج ۴، ۱۳۷۰)، ص ۲۴۴.
۱۲۴. بین ایشان با آنچه خدا نازل کرده است، قضاوت کن. مانده، ۴۸.
۱۲۵. «به پرو دگارت سوگند که ایمان نمی آورند، مگر این که تو را خنکم قرار دهند در آنچه میان ایشان اختلاف است. سپس در خود احساس گرفتاری نمی کنند در آنچه تو قضاوت کنی.» نساء، ۶۵.
۱۲۶. ابن هشام، السیره النبویه، ج ۴، ص ۲۳۵.
۱۲۷. وفاء الوفاء بأخبار دار المصطفى، ص ۱۶۷.
۱۲۸. ابن هشام، السیره النبویه، ج ۳، ص ۶۷، المغازی واقدی، ج ۱، ص ۱۵۵.
۱۲۹. مغازی واقدی، ج ۱، ص ۱۵۵.
۱۳۰. همان، ج ۱، ص ۲۴۷.
۱۳۱. رحیم نوبهار، سیمای مسجد، ج ۲ (قم: مؤلف، ج ۲، ۱۳۷۶)، ص ۱۷۸-۱۷۹.
۱۳۲. عباسعلی فراهی، «فعالیت مسجد در عصر پیامبر ﷺ»، مجله‌ی مسجد، ش ۳۹، ص ۵۶.
۱۳۳. سید جعفر مرتضی عاملی، الآداب الطیبیه فی الاسلام، ص ۶۹.
۱۳۴. مغازی واقدی، ج ۱، ص ۱۸۰.
۱۳۵. حسن رهبری، مسجد نماز عبادت و ستاد ولایت، ص ۲۵۴.
۱۳۶. عبدالرحیم غنیمه، تاریخ دانشگاهان اسلامی، ترجمه نوره کسایی، (دانشگاه تهران، ج سوم، ۱۳۷۱)، ص ۳۴۰.
۱۳۷. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۲۲۵.
۱۳۸. غلامحسین محرمی، نقش مسجد در جامعه‌ی اسلامی (قم: انتشارات بعین، ج ۱، ۱۳۷۹)، ص ۱۵۱.
۱۳۹. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۲۰.
۱۴۰. همان، ص ۱۱۴.

۱۲۱. همان، ص ۱۱۶.
۱۲۲. فروع کافی، ج ۳، ص ۴۸۰؛ فیض کاشانی، محجة البيضاء فی تہذیب الاحیاء، ج ۲ (قم: دفتر انتشارات اسلامی، بی تا) ص ۶۲.
۱۲۳. محمد بن اسماعیل جمعفی بخاری، صحیح بخاری، (بیروت: دارالقلم، ۱۴۰۱ق) نقل شده در جامع الاصول، ج ۸، ص ۸۴.
۱۲۴. ابوجعفر محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۳، (قاہرہ: دارالمعارف، بی تا)، ص ۱۱۲۳.
۱۲۵. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۴۶.
۱۲۶. کنز العمال، ج ۷، ص ۶۷۷.
۱۲۷. مسلم بن حجاج قشیری، صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۶۱.
۱۲۸. همان، ۱۳/.
۱۲۹. صحیح بخاری، ج ۱، ص ۱۳۹؛ احمد بن عبداللطیف الزبیدی، مختصر صحیح بخاری، (بیروت: دارالفنانش) ص ۱۰۸.
۱۵۰. سنن نسائی، ج ۲۲۹۲ و نقل شده در جامع الاصول، ج ۹، ص ۳۱-۳۲.
۱۵۱. صحیح بخاری، کتاب الاذان، باب ۱، تسویة الصفوف، ش ۱۷۱۷، صحیح مسلم، ج ۱، ص ۳۲۴، ش ۴۳۶؛ فتح الباری، ج ۲، ص ۲۰۶.
۱۵۲. جامع احادیث الشیخہ، ج ۶، ص ۲۷۰ و ص ۴۶۸.
۱۵۳. علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۰۵.
۱۵۴. ابو علی فضل بن حسن، مجمع البیان، ج ۵ (بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۷۹ق) ص ۱۰۹.
۱۵۵. محمد بن حسن طوسی، تیان، ج ۵ (قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۹ق) ص ۲۹۷.
۱۵۶. سیرہ ابن اسحاق، ج ۴، ص ۱۷۴.
۱۵۷. همان، ج ۲، ص ۱۶۹ و مغازی واقدی، ج ۲، ص ۱۰۴۷.
۱۵۸. تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۰۰.
۱۵۹. مغازی واقدی، ج ۲، ص ۱۰۴۸-۱۰۴۷. وی نوشته است: ابو عامر، راہب فاسق بہ آنها می گفت: نمی توانم بہ مسجد بنی عمرو بن عرف پیام: زیرا اصحاب رسول اللہ ﷺ در آن حضور دارند و بہ ما نگاه می کنند؛ برای همین منافقان پیش خود گفتند: مسجدی را می سازیم تا ابو عامر بہ آن جا بیاید و برای ما صحبت کند.
۱۶۰. مغازی واقدی، ج ۲، ص ۱۰۴۵-۱۰۴۶.
۱۶۱. همان.
۱۶۲. همان، ج ۲، ص ۱۰۴۸.
۱۶۳. سیرہ ابن اسحاق، ج ۲، ص ۱۶۹؛ و مغازی واقدی، ج ۲، ص ۱۰۴۷-۱۰۴۶.
۱۶۴. سیرہ ابن اسحاق، ج ۴، ص ۱۷۴.
۱۶۵. مغازی واقدی، ج ۲، ص ۱۰۴۹.
۱۶۶. ابن اسحاق گفته است کہ این خبر از آسمان نازل شد و واقدی نگفته است کہ این خبر بہ وسیلہ قرآن بہ اطلاع رسول خدا ﷺ رسید؛ وہی قمی در تفسیر خود، ج ۲، ص ۳۰۵ و طبرسی در مجمع، ج ۵، ص ۱۰۹ نوشته اند: آیه ای در شأن این مسجد بر آن حضرت ﷺ نازل شد.
۱۶۷. توبہ، ۱۰۷ و ۱۰۸.
۱۶۸. تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۰۵.
۱۶۹. مجمع البیان، ج ۵، ص ۱۱۰.
۱۷۰. تاریخ تحلیلی اسلام، ج ۴، ص ۳۹۷.

شوش گاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی